

بیر خانه رسیدم در بسته بود و آواز می آمد که غسل میکرد چون
 آواز من بشنید گفت ای ایوه پرده ها می باشد بعد از آن عالمی بود
 و در بکناد و گفت ای استند ان لا اله الا الله و ان محمد عبده و رسول
 بسوی رسول صلی الله علیه و سلم باز گشتم و از ستادی می گفتم که بگو
 الله بنیارت باد که دعا می کردی مادر کن کردی مستجاب شد پس
 گفتم یا رسول الله دعا کن که خدای تعالی مرا و مادر مرا در این مکان
 خود دوست گرداند رسول صلی الله علیه و سلم دعا کرد پس موتمنی نام مرا
 نشنوید مگر آنکه دوست دارد مرا **از آنجا که** که نابویم خود بر
 رسول صلی الله علیه و سلم خواند فرمود که لا یفصل الله فاک صدقه است
 سال ز نسبت که یک نذران وی بفضا **از آنجا که** که رسول
 صلی الله علیه و سلم دست مبارک بفرست بن زید فرود آورد و گفت
 یا رک الله فیک یا فیسوی صد سال ز نسبت سر وی سفید شده بود
 و هر موی که دست مبارک رسول صلی الله علیه و سلم بر آن گذشت
 عجمان سیاه بود و از شنبلیلیان بر سیده بود **از آنجا که**
 که جابر رضی الله عنه گفته است که در یکی از غزوات یا رسول صلی الله علیه

ببرون اندم در سانه درختی فسرود آندره بودم ناگاه رسول صلی الله
 علیه و سلم آنجا رسید گفتم یا رسول الله درین سانه فرود ای فرود آید
 در بار خود خوار داشتیم بر برون آورددم فسرود که این از حی
 بوده است گفتم از زمین برده است بودم و مرا صاحبی بود که شتر
 مرا می برد این شتر مرا پیش کرده بود و میرفت و در بروی حاجبه
 کشته بود رسول صلی الله علیه و سلم پرسید که وی به ازین جامه نذر
 گفت و از دیار رسول الله وی دو جامه دیگر دارد که من ویرا بوشانده
 در جامه و آن نهاده است فرمود که ویرا بجان ویرا خواندم و جامه را
 بیوشید و میرفت رسول صلی الله علیه و سلم گفت و راجه جان بود
 ضرب الله عنقه این از آن بهتر نیست آن مرد بکشید گفت یا
 رسول الله فی سبیل الله رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که فی سبیل
 آن مرد در غزه کشته شد **از آنجا که** که در یکی از غزوات
 ناقه رسول صلی الله علیه و سلم غایب شد دعا کرد که خدای تعالی آن
 ناقه را بوی بازگرداند کرد و یادای آن ناقه را می راند وی آورد
 تا پیش رسول صلی الله علیه و سلم **از آنجا که** که حضرت بن

ببرون اندم